



بررسی عوامل شهری و معماری موثر در زمینه سازی جرم و ناامنی در محیط های شهری

سید داود صفوی مقدم^۱

Davood_safavi_m@yahoo.com

چکیده:

احساس امنیت یکی از نیازهای روحی انسان و از مهم ترین شاخص های کیفیت فضا است. در بسیاری از شهرهای بزرگ جهان بروز بزهکاری، انواع آسیب های اجتماعی و جرائم به صورت یک مشکل اجتماعی حاد مطرح است که نتایج سلامتی و امنیت جامعه را به مخاطره می اندازد بلکه مسائل و مشکلات بی شماری را گریبان گیر جامعه می کند. مسئله امنیت شهری با توجه به رشد فزاینده شهرنشینی در ایران از اهمیت بالایی برخوردار می گردد و این در حالی است که اغلب یافته های تحقیقاتی پژوهشگران بر وجود رابطه آماری مستقیم بین افزایش جمعیت شهری و نرخ جرایم، آسیب های اجتماعی و به تعبیر دیگر آنومی های شهری صحنه می گذارد. اگرچه نمی توان از نقش متغیرهای جامعه شناختی در بروز و ظهور الگوهای رفتاری در انسان ها چشم پوشی کرد اما از نقش ویژگی های کالبدی و فضایی محیط مصنوع به عنوان بستر وقوع رفتارهای ناهنجار در بروز جرایم نیز نباید غافل شد. امروزه ما به شهرهایی با محله های با قوام و با کیفیت بالای زندگی نیازمندیم، به خیابان هایی نیازمندیم که پدر و مادر از پیاده فرستادن بچه هایشان به مدرسه احساس امنیت کنند. در این بین نقش شهرسازان و معماران از یک طرف و نیز مجریان طرح های شهری از طرف دیگر به منظور ایجاد فضاهای شهری امن مغفول مانده است، و لازم است با درک و شناخت دست نامرئی برنامه ریزی و طراحی محیطی و قابلیت آن در پیشگیری از جرائم، تلاش نمود و یا حتی الامکان این زمینه های بروز جرم را کاهش داد. به طور کلی تحقق این شرایط به نوبه خود موجب کاهش انگیزه مجرمین نیز خواهد شد. در این مقاله به بررسی عوامل شهری و معماری ای که زمینه ساز جرم و ناامنی در محیط های شهری هستند پرداخته می شود.

واژگان کلیدی: فضای شهری امن - جرم و جنایت - طراحی محیطی - آنومی و ناهنجاری



۱- مقدمه

به عقیده‌ی مازلو روانشناس معروف (۱۹۶۸) هنگامی که نیازهای فیزیولوژیک برآورده شدند بلافاصله مردم توجه‌شان به برآورده ساختن و ارضای نیازهای سطح بالاتر نظیر امنیت معطوف خواهد شد. این نیازها شدیداً و به‌گونه‌ای تنگاتنگ با توانایی‌های اجتماعی و کالبدی محیط در رابطه‌اند. دکتر اشتون نیز که از صاحب‌نظران بین‌المللی شهرسالم به شمار می‌رود در کتاب خود تحت عنوان (Healthy city concept and visions) امنیت را یکی از کیفیت‌های غیر قابل جایگزین در ایجاد شهرسالم مورد اشاره قرار می‌دهد. (Ashton, ۱۹۸۸:۱۶)

به طور اساسی سنجش رابطه‌ی شهرنشینی و متغیرهای مربوط به آسیب‌های اجتماعی (رفتار آنومیک) نشانگر تاثیر شهرنشینی بر گسترش و تشدید این متغیرها می‌شود هرچند این تاثیرات به صورت غیرمستقیم باشد. از همین روست که شهر به نظر رابرت پارک و مکتب شیکاگو بهترین مکان برای ظهور پدیده بی‌سازمانی (آنومی) است.

شهر خصوصاً شهرهای بزرگ و پرجمعیت که شلوغی و گمنامی از خصوصیات آن‌هاست محیطی مناسبی برای پناه‌گرفتن مجرمین محسوب می‌شوند. در این شهرها اکثر مردم همدیگر را نمی‌شناسند و این امر به مخفی ماندن جرایم نیز کمک می‌کند. حال آنکه در نقطه مقابل، جوامع انسانی کوچک‌تر نظیر روستاها هیچ کس غریبه نیست و همه افراد نسبت به یکدیگر شناخت کامل و عمیق دارند. بنابراین در بحث پایداری شهرها یکی از عوامل مهم و تاثیرگذار در رشد و توسعه‌ی شهرها موضوع امنیت می‌باشد.

امنیت:

فرهنگ لاروس امنیت را چنین تعریف می‌کند: اعتماد، آرامش روحی و روانی است. تفکری که بر اساس آن خطر، ترس، وحشت و خسران بی‌معنا می‌شود و معادل فقدان مخاطرات است. (Sumpf, ۱۹۷۳:۲۲۲)

۲- مفهوم فضای شهری امن:

مفهوم فضای شهری امن در مقابل مفهوم فضای شهری ناامن قرار دارد. پدیده ناامنی دارای دو جنبه‌ی عینی و ذهنی است و کلیه عرصه‌های زندگی را در برمی‌گیرد. مقوله‌ی ناامنی از جنبه‌ی عینی، کلیه مظاهر ناامنی از جمله سرقت، قتل، خشونت و ... را شامل می‌شود و مقوله‌ی ناامنی از جنبه‌ی ذهنی، شامل دآوری در خصوص امنیت منطقه و فضا است. برای رسیدن به بحث فضاهای شهری امن در تبیین عوامل موثر پیدایش آنومی و جرم، آن‌ها را در قالب سه دسته و سطح مورد بررسی قرار دادیم:

سطح کلان: عوامل موثر در پیدایش آنومی در جامعه (جامعه فراشهری)

سطح میانه: عوامل موثر در پیدایش آنومی در هر شهر

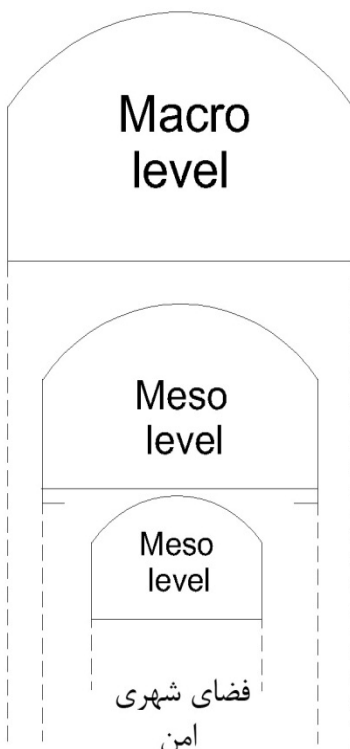
سطح خرد: عوامل موثر در پیدایش آنومی در مکان‌ها و موقعیت‌های شهری (فضاها)

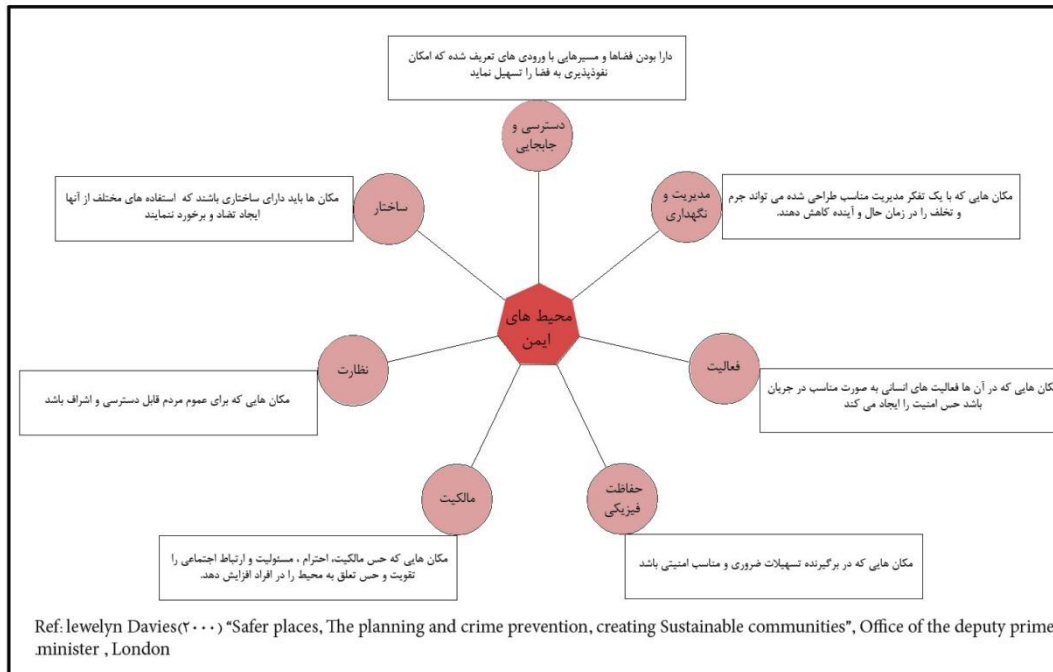
مفهوم یک فضای شهری امن به صورت جامع شامل همه‌ی عوامل موثر در سطوح سه‌گانه مذکور می‌شود. به عبارت دیگر یک فضای شهری امن در صورتی معنا می‌یابد که همه‌ی سطوح عوامل بازدارنده‌ی نقش خود را به صورت مطلوب ایفا نمایند و سطوح بالاتر به عنوان چتر حمایتی مانع ریزش، انتشار و ایجاد ناهنجاری به سطوح پایین‌تر گردند.

بنابراین فضای شهری امن، فضایی است که امنیت و آسودگی خاطر هر

سه گروه از این افراد را که شامل حاضرین، عابری، و ناظرین در فضا هستند را فراهم آورد.

به طور کلی از هفت ویژگی عام برای محیط‌های ایمن و امن شهری یاد می‌شود. این ویژگی‌ها از طریق تحقیق و پژوهش‌ها، همزمان در روش‌های پیشگیری از جرم و هم‌چنین نظریه‌های طراحی شهری به دست آمده‌اند. پایداری اجتماعی امنیت نیازمند توجه همزمان به طراحی شهری و پیشگیری از جرم می‌باشد





۳- عوامل موثر در پیدایش آنومی شهری

بی‌نظمی، ناامنی و جرایم از انواع عمده اختلال اجتماعی و اختلال هنجاری است. منظور از اختلال هنجاری تقریباً همان چیزی است که دورکیم آن را آنومی اجتماعی می‌نامد. در پیدایش آنومی (جرم و جنایت) مانند هر پدیده‌ی دیگر در جامعه عوامل مختلف و متعدد تاثیرگذار هستند و این عوامل مانند هر امر توسعه‌ستیز و یا توسعه‌مدار به چهار بعد یا پایه (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی) قابل تجزیه است، براین اساس عوامل موثر در پیدایش آنومی را در جامعه به چهار پایه تجزیه می‌کنیم:

- ۱- عوامل اجتماعی موثر در پیدایش آنومی در جامعه
- ۲- عوامل اقتصادی موثر در پیدایش آنومی در جامعه
- ۳- عوامل فرهنگی موثر در پیدایش آنومی در جامعه
- ۴- عوامل محیطی موثر در پیدایش آنومی در جامعه

3rd Urban Planning and Management Conference
20-21 April 2011, Mashhad, Iran

۳-۱- عوامل اجتماعی موثر در پیدایش آنومی در جامعه:

در گذشته به دلیل ثبات زندگی اجتماعی و اشتراک شدید افراد در آداب و رسوم، عرف و سنت این امر مانع بزرگی برای رفتار مجرمانه (آنومی) محسوب می‌شد ولی با توسعه‌ی تمدن و صنعتی شدن جوامع و پیدایش شهرهای بزرگ و افزایش تراکم جمعیت، آداب، رسوم اجتماعی و قوانین اخلاقی قدرت دیرین خود را از دست دادند.

هم‌چنین ناهمگونی اجتماعی زیاد، سبب سست شدن سیستم‌های کنترل غیررسمی و در نتیجه فراهم شدن زمینه‌ی اشاعه‌ی آسیب‌های اجتماعی و پیدایش انواع ناهنجاری‌ها و بزه‌ها در قالب باندهای غیرقانونی شده است.

برخی از نتایج بررسی‌ها و مطالعات صورت پذیرفته در خصوص ساختار اجتماعی حاکی از آن است که:

- در محلاتی که در آن‌ها افراد مجرد بیشتری وجود دارد میزان جرم، جنایت، و سایر رفتارهای آنومیک نیز بیشتر است.
- در محلاتی که همسایگان سالیان دراز همدیگر را می‌شناسند، میزان جرم، جنایت و سایر رفتارهای آنومیک پایین می‌باشد.
- برعکس عدم ارتباط همسایگان با یکدیگر میزان رفتارهای آنومیک را بالا می‌برد.
- افزایش جرم با افزایش تراکم جمعیت در محلات شهری رابطه‌ی مستقیم دارد و این به ویژه در محلات عقب‌مانده‌ی شهری کاملاً صادق است.



۲-۳- عوامل اقتصادی موثر در پیدایش آنومی در جامعه

در صورتی که اجتماعی نتواند حداقل نیازهای مادی را برای اعضای خود از راه مشروع و قانونی تامین نماید، افراد از ابزار نامشروع (ارتکاب جرم) جهت رسیدن به خواسته‌های خود استفاده می‌کنند. در واقع بسیاری از رفتارهای آنومیک با انگیزه‌های اقتصادی و رسیدن به منافع مالی و اقتصادی خاصی انجام می‌شود. از این رو، از مهم‌ترین عوامل پیدایش آنومی در هر جامعه می‌توان فقر، بیکاری و شرایط بد اقتصادی را نام برد.

- ۱- فقر و نیاز مالی
- ۲- بیکاری
- ۳- عدم تعادل در رشد و توسعه اقتصادی شهر
- ۴- تورم

بنابراین نتیجه‌ای که حاصل می‌شود آن است که فقر و نیاز مالی یکی از مهم‌ترین عوامل ارتکاب جرم در افراد می‌باشد.

۳-۳- عوامل فرهنگی موثر در پیدایش آنومی در جامعه:

۱-۳-۳- عامل در هم شکستگی ساختار فرهنگی:

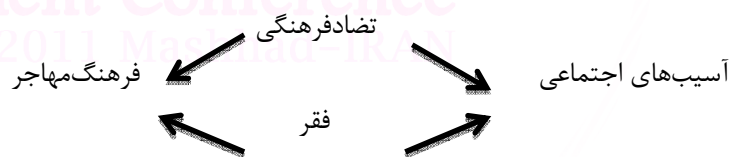
از نظر مرتون آنومی، یک درهم‌شکستگی ساختار فرهنگی است. این وضعیت زمانی پیش می‌آید که بین اهداف و هنجارهای فرهنگی و امکانات موجود تفاوت فاحش وجود داشته باشد. تنش‌هایی که از برآورده نشدن نیازهای فرهنگی در شکل جامعه حاصل می‌شود، متعدد است. نظیر معمول شدن شیوه و فرهنگ زندگی بیگانه، سردرگمی فردی و جمعی در بافت اجتماعی و... اینها رفتارهای انطباقی است که به قیمت از دست رفتن هویت فرهنگی تمام می‌شود و باعث تضادها، برخوردها و حتی شورش در جامعه خواهد شد.

۲-۳-۳- عامل ایجاد کننده خرده فرهنگ‌های کجرو:

هرنوع رفتار آنومیک در قالب یک خرده فرهنگ کجرو به وجود می‌آید که پیش از آن قطعا نوعی الگوی جدایی‌گزینی فضایی و تمرکز فقر وجود داشته است. در تبیین این رابطه، فرهنگ‌گرایان معتقداند که عامل اصلی تمایل به کژروی‌ها در طبقات پایین، خرده فرهنگ این طبقات است.

۳-۳-۳- عدم تجانس فرهنگی:

شهرها به دلیل هجوم مهاجرین و مردمانی با ریشه‌های فرهنگی متفاوت از انسجام فرهنگی لازم برخوردار نیستند و موجب بروز ناهماهنگی و تعارض فرهنگی می‌شود. مجمع جهانی بهداشت روانی، در سال ۱۹۵۸، تاثیر روانی مهاجرت در وقوع جرم را مورد بحث و بررسی قرار داده و ناراحتی‌های روحی مهاجرین را بیش از سایر عوامل موثر دانسته است. (بی‌نا، ۱۳۷۵: ۸۷)



۴-۳- عوامل محیطی موثر در پیدایش آنومی در جامعه:

فرصت جرم در محیط‌های شهری:

بیشتر جرم‌ها به این دلیل ارتکاب می‌یابند که بزه‌کار می‌تواند فرصت را تشخیص دهد. فرصت جرم می‌تواند یک فرصت یا ترکیبی از فرصت‌ها باشد مانند دسترسی آسان، مکان‌هایی برای پنهان شدن، نبود تعریف آشکار میان مکان همگانی و خصوصی، روشنایی کم، درختانی که فرد بتواند خود را در پشت آن پنهان کند و به طور کلی هرچه بزه‌کاران بیشتر احساس ناامنی و آسیب‌پذیری کنند، کم‌تر ممکن است که مرتکب جرم شوند.



همچنین مکان‌های همگانی که افراد در طول روز از آن‌ها گریزانند عبارتند از خیابان‌های خلوت و پرت، زیرگذرها، بوستان‌ها و جنگل‌ها، افزون بر این‌ها، حومه و مرکز شهرها که جوانان در آن‌جا در مکان‌های همگانی تجمع می‌کنند، نیز می‌تواند مکان‌های ترساننده‌ای برای دیگران، به ویژه برای میانسالان و سالمندان و بانوان باشند.

تحلیل جرم‌خیزی

به نظر می‌رسد یک مجرم در برخورد با مکان همیشه با این پرسش‌ها روبرو است:

۱- اینجا چه امکانات و تسهیلاتی برای ارتکاب جرم دارد؟

۲- در این مکان چه اهداف مجرمانه‌ای را می‌توان دنبال نمود؟

۳- چگونه می‌توان پس از ارتکاب جرم خیلی سریع از صحنه فرار کرد؟

با استفاده از روش‌های فرصت‌جرم و بررسی شرایط مکانی و الگوهای فضایی که موجب افزایش احتمال جرم در سطح شهری می‌شوند، می‌توان شرایط فضایی و کالبدی مستعد وقوع جرم را مشخص نمود. (کلانتری، ۱۳۸۰: ۶۸)

همچنین در این خصوص مطالعات به عمل آمده توسط صاحب‌نظران نظریه‌ی پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED) از دهه‌ی ۱۹۷۰ به این سو حاکی است نوع کاربری و کیفیت همجواری کاربری‌ها، کمیت و کیفیت ساخت‌وسازهای شهری، تعداد واحدهای مسکونی یک ساختمان، تراکم ساختمانی، فرم و کیفیت ساختمان‌ها، نحوه‌ی استقرار بناها در فضای شهری، قابلیت دید به فضا و... جملگی بر شرایط و فرصت‌های جرم‌خیزی مکان‌ها و فضاها موثر است. (B.Robinson, ۱۹۹۶: ۱-۵)

" CPTED " چیست؟

یکی از مکتب‌های جدید بررسی جرم‌شناسی CPTE می‌باشد که در این چارچوب مجموعه‌ی نظریه‌های CPTED تلاش زیادی برای فهم رابطه مکان و جرم به عمل آمده است. اندیشه‌های جفری و جیکوب در شکل‌گیری و توسعه‌ی آن نقش بنیادی داشته است. CPTED یک پیشنهاد روش‌شناسی طراحی است که براساس آن با به کارگیری طراحی مناسب و هدفمند محیط‌انسان‌ساخت، معماران و شهرسازان می‌توانند مجال ارتکاب جرم و تبهکاری را کاهش داده و کیفیت زندگی را بهبود بخشند. در واقع، هدف نظریه‌ی پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی، مشخص کردن شرایط کالبدی و محیط اجتماعی است که شرایط امکان و یا تسریع در ارتکاب جرم را فراهم می‌کند. در این چارچوب طرح‌های تخصصی CPTED از سه استراتژی اساسی استفاده می‌کنند: کنترل دسترسی طبیعی، نظارت طبیعی و تقویت منطقه‌ای (Atlas, ۱۹۹۹: ۱)

۴- مولفه‌ها و راه‌کارهای ایجاد فضاهای شهری امن

معیار کلی را به شرح زیر تقسیم می‌کنیم:

الف- اندازه و فرم فضا

ب- آسایش بصری و محیطی

ج- سازمان فضایی و نفوذپذیری

د- کیفیت مسکن و کاربری زمین

بنابراین مولفه‌ها و معیارهای فضاهای شهری امن به نوعی به استراتژی‌های غیرکیفری پیشگیری از جرم به ویژه استراتژی‌های محیطی تاکید دارد.

الف - اندازه و فرم فضا:

۱- اندازه فضا



مقیاس بزرگ به لحاظ کاهش امکان کنترل پذیری محیط، احساس امنیت را کاهش می‌دهد. مهم‌ترین ممیزه شهرهای گذشته، سکون آنها بودند. محدوده‌ی تحت اشغال این شهرها و تعداد شهروندان آنها از حدی مشخص فراتر نمی‌رفت. آنها ساکنین خود را تنگ در آغوش می‌گرفتند و بدین ترتیب احساس امنیت را برایشان فراهم می‌آوردند. (باراحمدی، ۱۳۷۸: ۱۳)

امروزه به علت امکان گسترش شهرها چنین توقعی از شهرها، منطقی به نظر نمی‌رسد لیکن، آن را می‌توان تا سطح ساختار فضایی محلات تعمیم داد.

ارسطو معتقد بود که شهر نباید آنقدر بزرگ باشد که صدای کمک‌خواهی مردم از پشت دیوارهای آن شنیده نشود. یافته‌های مطالعاتی و نظریات ارائه شده معاصر نیز حاکی از آن است که اندازه‌ی فضا در تغییر امنیت و آسایش اجتماعی تاثیر می‌گذارد و این از یک سو می‌تواند موجب افزایش اضطراب، ناسازگاری و خشونت‌های شهری و علی‌القاعده افزایش رفتارهای آنومیک شود و از سوی دیگر انسجام اجتماعی را در مقابل آسیب‌پذیری تضعیف نماید.

افلاطون نیز اندازه ایده‌آل شهر را، شهری متوسط با ۵۰۴۰ نفر جمعیت می‌دانست و معتقد بود که چنین شهری وحدت و انسجام خود را حفظ می‌کند. به باور افلاطون در صورتی که اندازه‌ی شهر از این آستانه فراتر رود، امکان اجتماع همگانی از شهروندان سلب می‌شود. در نتیجه با سست شدن روابط اجتماعی به بروز ناهنجاری‌های متعددی در شهر می‌انجامد.

بنابراین موضوع مذکور خود دارای آستانه‌ای است که می‌توانیم برای آن قائل شویم هم‌چنین صاحب‌نظران روانشناسی اجتماعی و جامعه‌شناسان، نیاز به خلوت و مسئله‌ی احساس ازدحام در فضاهای کوچک را در ارتباط با آسیب‌شناسی رفتارهای اجتماعی مورد توجه قرار داده‌اند.

هر چند که فضاهای بیکران و خالی خود اضطراب‌آور است و شرایط جرم‌خیزی را فراهم می‌سازد از طرف دیگر فضاهای کوچک، با توأم شدن ازدحام زیاد نیز می‌تواند شرایط آسیب‌پذیری را موجب شود. در واقع یکی از مهم‌ترین عوامل موثر بر رفتار، همواره تعداد افراد موجود برای تماس در یک محدوده‌ی فضایی تعریف شده می‌باشد. مجاورت فضایی یکی از عمده‌ترین تعیین‌کننده‌های روابط انسانی است. اما حضور عده‌ای زیاد در یک فضای بسیار کوچک نیز می‌تواند منجر به ادراک ازدحام شود.

۲- فرم فضا:

بدون شک یک مجرم نمی‌خواهد در حال ارتکاب جرم دیده شود و بدون تردید، عدم رویت بصری ناشی از فرم فضا، شرایط بسیار مناسبی برای اهداف و رفتارهای بزهکاران و خلاف کاران فراهم می‌سازد.

اسکار نیومن در مطالعات و تحقیقات خود دریافت که جرم در مجتمع مسکونی عموماً در جایی صورت می‌گیرد که فعالیت‌های مجرمانه به سختی مشاهده و رویت می‌گردد و دسترسی عموم به این مکان‌ها به سادگی صورت نمی‌گیرد. او نتیجه گرفت که هنگامی که ساختمان‌ها به گونه‌ای طراحی شوند که ساکنین بتوانند درب‌های ورودی و اماکن عمومی را تحت نظر داشته باشند، جرم کاهش می‌یابد.

جین جکوبز نیز با طرح نظریاتش در کتاب خود تحت عنوان مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا، تاثیر بسیار چشم‌گیری در نظریات جرم‌شناسی شهری ایفا کرد. وی در نظریه‌اش ادعان داشت که برای نظارت و مراقبت از خیابان، چشمانی لازم است که فضا را تحت کنترل خود قرار دهند، این چشمان کسانی هستند که می‌توان آنها را، مالکین طبیعی خیابان ناامید و در واقع می‌توان آنها را به عنوان ساکنین و عابرین فضای خیابان تعبیر نمود.

هم‌چنین بناهایی که در مجاورت یک خیابان قرار دارند باید به سوی آن جهت‌گیری کنند. این بناها نباید به خیابان پشت کرده و نماهای کورشان را بدان عرضه کنند تا بتوانند به فضای خیابان نظارت داشته و حرکات مردم و غریبه‌ها را تحت کنترل خود داشته باشند.

هم‌چنین باید در طراحی خیابان‌ها از ایجاد گوشه‌ها و کنج‌های تاریک که به دور از دید عابرین می‌باشد پرهیز نمود.

مطالعات به عمل آمده با استفاده از GIS در ژاپن، در خصوص بررسی ارتباط میان وقوع جرم و جنایت و محرکات محیطی آن، حاکی از آن است که دزدی از آپارتمان‌هایی که فرم فضای ورودی آنها در معرض دید نبوده است نسبت به سایر آپارتمان‌ها بیشتر بوده است. (Ogawa and Others)



بنابراین، ساختار فیزیکی فضا یا به عبارتی فرم فضا در چگونگی ایجاد یک فضای بدون دفاع نقشی انکارناپذیر دارد و از این رو توجه به کیفیات فرم فضا اهمیت می‌یابد. برای مثال خوانایی کیفیتی است که تصویری روشن در ذهن هر ناظر به وجود می‌آورد. مراد از آن شکل، رنگ، نظم و سامانی است که با ایجاد تصویری روشن و مشخص رویت زندگی آدمی را آسان و میسر می‌دارد. فضاهایی که از نظر ساختاری و فرم به گونه‌ای باشد که نمایانی آن به حداقل برسد به علت در معرض دید نبودن و ناپیدایی که دارا می‌باشد، شرایط محیطی را به صورت بالقوه جهت رفتار مجرمانه مساعد می‌سازد.

هم‌چنین میزان حفظ تداوم بصری و فضایی بین فضای برآمده و محیط به میزان اختلاف سطح آن‌ها بستگی دارد که قطع تداوم بصری و فضایی باعث مخفی ماندن عملی در محدوده آن می‌شود و مناسب جهت به سرانجام رساندن عملی ناهنجار در سطوح کف فرورفته می‌شود. پایین‌تر قرار گرفتن فضا از محیطش کیفیت درون‌گرایی یا کیفیت پناه‌دادن و محافظت‌کردن را می‌رساند. به همین علت زیرگذرها، زیرپل‌ها و... به علت قطع ارتباط بصری فضای اطرافشان با آن‌ها قابل رویت نیستند و می‌توانند به صورت بالقوه به عنوان فضاهایی بدون دفاع مطرح شوند.

راجر ترانسیک نیز در کتاب خود (Finding lost space) فضاهای گم‌شده را به گونه‌ای دیگر توصیف کرده است. این فضاها از نظر ترانسیک، اغلب پس‌مانده‌های ساماندهی نشده چشم‌اندازهای شهری هستند. در این فضاها فعالیت‌های شهری صورت نمی‌گیرد و به‌طور کلی فاقد عملکرد هستند. از این رو شرایط بسیار خوبی برای استفاده از آن در راستای اهداف مجرمانه فراهم می‌آورند.

ب- آسایش بصری و محیطی

آسایش بصری و محیطی از مولفه‌های مهم و اساسی محیط‌های شهری امن محسوب می‌شود، چرا که برای سکونت و زندگی، شهر خانه‌ای است، بزرگ و همان‌گونه که خانه باید از صفات و مزایایی برخوردار باشد تا سکونت و زندگی مطلوب و آسایش بخش سازد، شهر نیز باید دارای کیفیات و ویژگی‌هایی برای تامین آسایش، راحتی و امنیت شهروندان باشد. هم‌چنین شهر مانند خانه باید محیطی گرم و صمیمی و دلپذیر باشد تا امکان زندگی مطلوب را فراهم سازد.

نتایج بررسی‌های متعدد به عمل آمده حاکی از وجود همبستگی آماری میان فراوانی وقوع جرایم و رفتارهای آنومیک با مکان‌های آلوده است اگر رفتارهای آنومیک را به نوعی آلودگی رفتاری تعبیر کنیم، طبیعی است که این نوع آلودگی گرایش چسبندگی به سایر انواع آلودگی‌ها را دارد.

در این باره انواع آلودگی، را می‌توان شامل آلودگی‌های بصری، آلودگی‌های صوتی و عدم بهداشت محیط از حیث وجود انواع زباله و... مطرح ساخت. از این رو مولفه‌های مورد نظر شامل محورهای زیر می‌شود:

3rd Urban Planning and Management Conference
20-21 April 2011 Mashhad-IRAN

۱- آلودگی نمادی (اطلاعات محیطی) و خوانایی

۲- آلودگی بصری (اغتشاش بصری)

۳- آلودگی رنگ (کاربرد نامطلوب رنگ‌ها در فضاهای شهری)

۴- آلودگی نور (تاریکی)

۵- آلودگی محیطی (وجود مواد زائد جامد در محیط)

۶- آلودگی صوتی

۱- آلودگی نمادی (اطلاعات و علائم محیطی و خوانایی):

نمادها و علائم و یا به عبارت دیگر نشانه‌ها از دید صاحب‌نظران سیمای شهری از عوامل مهم تشخیص قسمت‌های مختلف شهر هستند و بدین ترتیب افراد به خصوص افراد غریبه به محیط و تازه‌واردین از طریق برقراری ارتباط با آن‌ها احساس امنیت می‌کنند و مسیر خود را می‌یابند. (بحرینی، ۹۲: ۱۳۷۲)



نتایج مطالعات آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات حاکی از آن است که افراد بزهکار تمایل بیشتری دارند تا از غریبه‌ها و بیگانگان یعنی افرادی که هیچ‌گونه آشنایی با آن‌ها ندارند و هم‌چنین از موسسات و سازمان‌های اقتصادی و بازرگانی که به هیچ‌وجه به آنان وابسته نیستند، دزدی کنند.

احساس عدم امنیت و وحشت از گم‌گشتگی از اینجا ناشی می‌شود که لازمه‌ی زندگی هر موجود (ارگانیسم) متحرک این است که وی جهت حرکت خود را در محیط زندگی خود تمیز دهد.

بنابراین تصویری نیکو از محیط به شخص نوعی احساس امنیت می‌دهد. وی می‌تواند رابطه‌ای موزون بین خود و جهان خارج به وجود آورد و این درست بر خلاف احساس ترسی است که بر شخص مستولی می‌شود، وقتی که او راه و جهت خود را گم کرده باشد.

بناهای تاریخی، محله‌های قدیمی، خیابان‌ها، میدان‌ها و به طور کلی نشانه‌های شهری باقیمانده از اجداد دورونزدیک ما به مثابه علائمی هستند که به ما کمک می‌کنند تا هستی خود و وابستگی به یکدیگر را باز یافته و هویت جمعی خود را تعیین کنیم بنابراین تقویت و تاکید بر این نشانه‌ها تاثیر به سزایی در خوانایی ذهنی و بصری شهروندان دارد.

۲- آلودگی دیداری (اغتشاش بصری نماها، حجم‌ها و عناصر)

اغتشاش در شکل شهر می‌تواند از طریق احساس و ادراکی بر روی رفتارهای اجتماعی انعکاس یافته و اغتشاش رفتاری (ناهنجاری رفتاری و یا رفتار آنومیک) را در فضای شهری توجیه نماید. و این همه صرفاً از طریق طراحی فضاهای شهری و یا سازماندهی مجدد آن‌ها توسط طراحان قابل اصلاح است.

آن بخش از فضای شهری که واجد تناسب بصری مطلوبی هستند و به عبارت دیگر در آن اغتشاش بصری کم‌تری وجود دارد، نسبت به سایر فضاها احتمالاً کم‌تر با اغتشاش‌های رفتاری (رفتارهای ناهنجار و آنومیک) عجين می‌شوند.

طراحی شهری مطلوب رهنمودی برای ارتقای تناسب بین ساختارهای نو و کهنه می‌باشد که از روند فوق‌الذکر پدیدار می‌شود. به طور خلاصه مهم‌ترین اصولی که باید در این چاقوب به خاطر سپرده شود به شرح زیر است:

۱- حفظ یکپارچگی بدنه خیابان‌ها

۲- احترام به هویت تصویری بناها و چشم اندازه‌ها

۳- جلوگیری از ساخت‌وساز بی‌قاعده

۴- هماهنگ‌سازی و تمامیت بخشیدن به مصالح

۵- ارزش قائل شدن برای ریتم موجود در نماها و عناصر فضایی

۶- اصلاح الگوهای استفاده از مکان‌های عمومی

۷- بهسازی و اصلاح پنجره‌ها و تابلوها شکسته در فضا

۳- آلودگی رنگ در فضای شهری

دنیایی که ما آن را نظاره می‌کنیم از دو عنصر مهم تجسمی تشکیل شده است، این دو عنصر عبارت‌اند از: فرم و رنگ که هر کدام لازم و ملزوم یکدیگرند. (بهادری، ۴۲: ۱۳۸۰) روانشناسان ثابت کرده‌اند که نوع ترکیب رنگ‌های استفاده در محیط زندگی، محل کار و فضای شهری به طور ناخودآگاه در وضعیت روحی مردم موثر خواهد بود. رنگ‌ها معنای نمادین دارند و حتی در تصورات ما نیز هر بنا با رنگ خاص تداعی می‌شود. رنگ‌ها می‌توانند با سردی و گرمی خود با تظاهر یا فروتنی خود، ایجاد تنش و یا آرامش کنند و به هر حال در فضا وزن ایجاد نمایند. در وضعیت کنونی میداین شهری ما یک بوم‌رنگی بی‌هویت و مغشوش هستند که تنها موجب افسردگی روان‌پریشی و عصبیت افراد جامعه می‌شوند. رنگ‌ها می‌توانند بناها را قابل فهم و خوانا نمایند و حتی عملکرد آن‌ها را نشان دهند، حس وحدت ایجاد کنند، تداوم و نظم را القاء کنند، بناهای مهم و نشانه‌های شهری را شاخص کنند، مسیرها، میداین و میعادگاه‌های معروف و خیابان‌ها را خواناتر کنند.



۴- آلودگی نور (تاریکی)

در فضاهای شهری و عمومی کمبود یا فقدان روشنایی مناسب برای محیط را نیز می توان آلودگی شمرد. از این روست که فراوانی وقوع جرایم در شب و روز دارای تفاوت معناداری می باشد و اینجاست که عامل زمان ، شرایط جرم خیزی مکان را تشدید می کند. با افزایش پیچیدگی های حیات اجتماعی احتمالاً فراوانی وقوع جرایم شبانه نیز افزایش می یابد. تقویت روشنایی مردم را برای استفاده از مکان های عمومی در شب تشویق می کند و ممکن است مراقبت های غیررسمی را افزایش دهد. با آشکار نشدن فرم به علت تاریکی اولین گام به سوی پدید آمدن فضایی بدون دفاع و آسیب پذیر برداشته می شود. این ویژگی باعث خواهد شد تا افرادی که جهت اطفای نیازهای خود به فضاهایی با عدم قابلیت دید و قرارگیری در حوزه ی بصری دیگران احتیاج دارند به سوی این گونه فضاها کشیده شوند.

توجه به شرایطی که موجب داشتن دید مناسب از درون ساختمان ها با نورپردازی های بهتر می شود به شکل موثری می تواند مراقبت های طبیعی معابر، خیابان ها و حریم اطراف منازل و ساختمان ها را افزایش داده ، و میزان جرم را کاهش دهد.

۵- آلودگی محیطی (وجود مواد زاید جامد و فاضلاب در محیط)

مطالعات به عمل آمده با استفاده از GIS در ژاپن حاکی از آن است که در ساختمان هایی که کنار آن ها محل زباله بیشتر باشد، شرایط جرم خیزی در آن ها به همان نسبت بیشتر می گردد. (Ogawa and others, ۱۹۹۸)

وجود زباله و فاضلاب در محیطها و فضاهای شهری موجب کاهش کیفیت محیط می شود و ریختن زباله در فضای شهری از سوی افراد در هر جامعه ای خود نوعی رفتار ضد اجتماعی و در اغلب جوامع مترقی طبق مقررات ، جرم محسوب می شود. این نکته به خوبی اثبات شده است که مراقبت ها عمومی به میزان زیادی موجب کاهش جرم می شود از طرفی عدم مراقبت و به هم ریختگی محیطی مانند وجود آشغال، خرابه ها و زمین های متروکه انجام برخی رفتارهای ناهنجار و خشن ، ولگردی، اعتیاد، مستی و تکدی گری در این مکان ها را افزایش می دهد.

۶- آلودگی صوتی:

مجرمین با بررسی هوشمندانه موقعیت ها ، مکان ها و زمان ها ، شرایطی را انتخاب می کنند که از به دام افتادن خود جلوگیری نمایند و به راحتی عمل مجرمانه خود را مرتکب شوند . از این رو مکان هایی که در آن ها و یا در مجاورت آن ها آلودگی صوتی شدیدی وجود دارد از این حیث مناسب است.

هم چنین محل های بسیاری از جمله محل اجتماعات شلوغ و پر سرو صدا شهری، مراکز خرید، مناطق مسکونی پرسرو صدا و شلوغ، اتوبان های شهری ، مناطق مجاور فرودگاه ها ، مناطق مجاور فعالیت های صنعتی ، حوزه های فعالیت های عمران شهری و... از جمله مکان هایی هستند که به صورت بالقوه دارای چنین شرایطی هستند.

بدین ترتیب اثرات آلودگی صوتی از یک سو موجب افزایش فرصت های جرم خیزی فضا می شود و از سوی دیگر با تشدید عوامل روانی موجب افزایش رفتارهای عصبی می گردد.

ج- سازمان فضایی و نفوذ پذیری (دسترسی)

در چارچوب این مولفه در قالب سه معیار متمایز میزان و چگونگی دسترسی به عنوان مشخصه محوری و مشترک هر سه معیار مورد توجه قرار می گیرد. بر این اساس مولفه های سازمان فضایی و دسترسی در چارچوب بررسی حاضر به معیارهای زیر قابل تقسیم است:

- ۱- وضعیت نفوذ پذیری قلمروها
- ۲- وضعیت دسترسی
- ۳- فضاهای حمل و نقل عمومی

۱- وضعیت نفوذ پذیری قلمروها (خصوصی، نیمه خصوصی، عمومی)



روشنی و وضوح سازمان فضایی و مرزهای قلمروهای خصوصی، نیمه خصوصی (نیمه عمومی) و عمومی از یکدیگر موجبات کاهش نفوذپذیری (دسترسی)، افزایش نظارت اجتماعی و پیشگیری از جرایم می شود. از طریق تعریف و نمایان ساختن مرزها و قلمروهای عمومی، نیمه عمومی و خصوصی فضاها در داخل محلات، ساکنین و بهره برداران محیط و همچنین ناظرین و عابرین قادر به شناخت محدوده خود خواهند بود و با تعیین محدوده مالکیتها، کاربران غیرمجاز آنها، قابل شناسایی خواهد بود. تعریف مرزهای روشن، مالکیت یک فضا را تعریف می کند و بنابراین یک حس قلمرو و حس مکان را ایجاد می کند. معین بودن فضا، زمانی که در یک مقیاس انسانی اجرا می شود، یک گام برای قابل دفاع ساختن فضاها به شمار می رود.

۲- ویژگی های دسترسی و شبکه ارتباطی

ویژگی های دسترسی و شبکه های ارتباطی نقش بسیاری در تامین ایمنی و امنیت فضا، مکانها و محلات شهری دارند. قدر مسلم هر عمل مجرمانه از سوی مجرمان، هوشمندانه و با در نظر گرفتن نقش عامل دسترسی (سهولت به مکان وقوع و امکان فرار سریع از آن مکان) صورت می گیرد.

خیابانها و کوچه های بن بست، پرسه زدن افراد غیرساکن و غریبه را به شدت در فضای محلات مسکونی کاهش داده، و حتی مشکل سرقت اتومبیل را در محلات مسکونی برخی از شهرهای بزرگ حل کرده است.

بر مبنای تحقیقات پلیس ژاپن در خیابان هایی که در آن پیاده روها از خیابان جدا نشده باشد و نیز خیابان هایی که در آنها بانکها فعالیت دارند نسبت به سایر خیابان های شهری پدیده کیف قاپی بیشتر اتفاق می افتد. همچنین در خیابان های باریک و خیابان های یک طرفه و خیابان های کم نور این مسئله وجود دارد. (Ogawa & shibasak, ۲۰۰۳:۲)

بر اساس مطالعات دیگری که در یکی از شهرهای انگلستان صورت گرفته است تقریباً دوسوم از سطوح شهری که در آنها جرم افتاده است از تردد عابرین کمتری برخوردار بوده و یا گاهگاهی در پیاده روهای آن ترددی صورت می گرفته است.

در تحقیق و بررسی روی ترافیک پیاده روها و ارتباط آن با میزان جرایم، روبین اشتابن و همکارانش در سال ۱۹۸۰ نتیجه گرفتند که هم تردد زیاد و هم تردد کم پیاده در پیاده روها با میزان جرایم ارتباط مستقیم دارد، تردد و ترافیک زیاد پیاده روها، قربانیان جرایم بیشتری را به همراه داشتند و سطح پایین تردد پیاده هم شاهدین کم تر را با خود دارد و باعث می شود مراقبت های طبیعی از خیابانها کاسته شود. (حشمتی، ۱۳۸۲:۵۸)

پوس و نامرهم در سال ۱۹۷۷ در گزارش تحقیقی خود اعلام داشتند که میزان دسترسی به یک خیابان با میزان جرایم در آن ارتباط دارد. خیابانها و کوچه های بن بست و گذرهای که به شکل های (L) و (T) بودند در صد کمتری از جرایم را نسبت به چهارراهها داشتند.

میتوان با بن بست کردن خیابانها و کوچه های مسکونی، احتمال این که ساکنین، بتوانند غریبهها را شناسایی کنند و آنها را به خاطر بسپارند و رفتارهای آنها را مورد توجه قرار دهند، افزایش داد.

کنترل دسترسی در بیان ساده یعنی تعیین مرز و حدود مالکیت فضاهای خصوصی و نیمه خصوصی از فضاهای عمومی و فلسفه آن محدود کردن استفاده افراد اجتماع از فضاهای غیر عمومی است. این محدودیتها می تواند سمبلیک باشند. (مثل دیوار کوتاه، نرده، بوته گیاهی و یا نوع پوشش کف، ایجاد سلسله مراتب دسترسی هم چون گذرهای تاریخی)

۳- فضاهای زنجیره ای حمل و نقل عمومی:

مردمی که از وسایل نقلیه عمومی استفاده می کنند، غالباً در معرض خطر هستند زیرا استفاده از وسایل نقلیه عمومی مستلزم حضور در مکان های عمومی است، جایی که شامل تعداد زیادی از بیگانگان که شما هیچ کنترلی روی آنها ندارید. کسانی که از اتوبوس استفاده می کنند مجبورند زمان طولانی را در خیابان منتظر بمانند جایی که آنها در برابر جرایم خیابانی آسیب پذیرند و مجرمین، زنان و سایر گروه های آسیب پذیر را به عنوان طعمه های خود انتخاب می کنند بخصوص زمانی که راهی برای گریز از محدوده فراهم باشد این وقایع تشدید می شوند. بنابراین مسئله ایمنی در شهر را باید به صورت زنجیره ای دسترسی امن از فضای خصوصی به فضای عمومی و بالعکس مورد توجه قرار داد.



د- کیفیت سکونت و کاربری زمین:

۱- مسکن ناسالم:

مدت‌های زیادی است که فرضیه‌ی رابطه‌ی مسکن نامناسب با جرم از سوی پژوهش‌گران به اثبات رسیده است. به عبارت بهتر، همبستگی شدیدی بین ناسالم بودن مسکن و بزهکاری کودکان و جوانان ملاحظه شده است. به طور مثال در فرانسه ۷۴٪ موارد بزهکاری در محلاتی که مسکن ناسالم وجود دارد، ملاحظه شده است.

کیفیت عمومی سکونت نقش بسیار قاطعی در بروز رفتارهای اجتماعی مطلوب و یا آنومیک دارد. این موضوع از اینجا ناشی می‌شود که به طور اساسی تعریف مسکن، فراتر از تعریف آن صرفاً به عنوان یک سرپناه است و کیفیت آن نیز حائز اهمیت و توجه است.

والدین با انتخاب محل سکونت خویش، موقعیت اجتماعی و کانون خانواده خود را تعیین می‌کنند. از این رو صاحب‌نظران بی‌شماری برآنند که ریشه انحرافات را باید در خانه‌های مسکونی نامناسب جستجو کرد و این‌گونه خانه‌ها در ایجاد کجروی و بزهکاری‌ها نقش مهمی را بازی می‌کنند و در تمام جوامع طبقاتی بیشتر مجرمین متعلق به نواحی پست و نامناسب هستند. براین اساس وضعیت مناطق شهری و محلات و حتی تعداد طبقات ساختمان‌های مسکونی، کیفیت و وضعیت ظاهری آپارتمان‌ها، کیفیت ابنیه از لحاظ مرغوبیت، سرسبز بودن و نور کافی داشتن و... عواملی هستند که تاثیر بسزایی در نوع جرایم ارتكابی در مناطق شهری و محلات بر جای می‌گذارند (سگرانی طرقله، ۱۳۷۷:۹۷)

۲- نحوه‌ی تصرف مسکن

براساس نظریه‌ی طبقه‌بندی واحد مسکونی، میزان ارتكاب جرم توسط افراد اجاره‌نشین شهری بیشتر از مالکین واحدهای مسکونی است به عبارتی تفاوت‌های اجتماعی و اقتصادی بین افراد جامعه و از جمله نوع تصرف مسکن آن‌ها در ارتكاب عمل مجرمانه آن‌ها موثر است (شکویی، ۱۳۶۹:۱۰۲) با همه‌ی این احوال مسکن خود شامل مولفه‌های متعددی است ولی شاخص تراکم جمعیت را می‌توانیم به عنوان بارزترین شاخص و نیز نماینده‌ای برای سایر شاخص‌ها در نظر گرفت.

۳- نقش تراکم جمعیتی و ساختمانی:

مناطق شهری و محلات و به طبع آن فضاهای شهری که در آن و یا مجاورت آن مجتمع‌های مسکونی با ارتفاع متوسط وجود دارد به دلیل ارتفاع محدودشان جمعیت کمتری نسبت به مناطقی که برج‌های مسکونی بلند واقع هستند، دارند. بنابراین احساس امنیت بیشتری را برای ساکنان خود فراهم می‌کنند با توجه به شناخت آسان‌تر همسایه‌ها، کنترل بر فضاها آسان‌تر می‌گردد و از آنجا که ارتفاع ساختمان کم‌تر است، دید به فضاهای عمومی بهتر است و تسلط به فضاهای بیرونی و فضای بازی بچه‌ها آسان‌تر می‌شود. تراکم بهینه می‌تواند حاصل عوامل متعدد باشد و مطابق با فضای شهری تغییر یابد. ضروری است در برخورد با موضوع تراکم آن را به صورت تفکیک شده مورد بررسی و توجه قرار داد. "موری" تراکم جمعیت رادر جوامع انسانی به سه نوع زیر تفکیک می‌کند:

۱- تراکم در منطقه مسکونی

۲- تراکم در واحد مسکونی

۳- تراکم از نظر فشار جمعیت به منابع

"موری" نشان می‌دهد که از دو متغیر تراکم جمعیت در منطقه‌ی مسکونی و تراکم در واحد مسکونی، متغیر دوم یعنی تراکم در واحد مسکونی و یا ازدحام در محل سکونت عامل مهمتری است. زیرا این عامل موجب بروز اختلالات روانی - رفتاری در کودکان می‌شود. و به همراه خود افت تحصیلی، بروز رفتارهای تهاجمی یا پرخاش‌گرانه و هم‌چنین احساس نا امنی را به همراه دارد. و در مقایسه با آن‌هایی که فضای کافی در اختیار دارند، از نظر پیشرفت تحصیلی نیز ناموفق‌تر بوده، احساس امنیت کمتری می‌کنند.

در واقع هرچند که محلات مسکونی پرتراکم در صورت ترکیب با سایر عوامل اجتماعی می‌تواند مسائل اجتماعی از جمله افزایش جرایم را همراه داشته باشد، ولی از طرف دیگر محلات حومه‌ای بسیار کم‌تراکم نیز به دلیل یک‌نواختی و ملال‌آور بودن و به دلیل اینکه زندگی جمعی کم رنگ‌تری را عرضه می‌کند، نیز می‌تواند شرایط جرم‌خیزی را افزایش دهد.

وضعیت تراکم‌های ساختمانی و تراکم جمعیتی شاید تا آستانه کاهش اثربخشی جمعی در این ارتباط واجد توجه باشند، ولی تشخیص آین آستانه بسیار پیچیده و تا حدود زیادی امکان‌پذیر نمی‌باشد.



۴- میزان بهره‌مندی از خدمات عمومی واحدهای مسکونی:

اتریشی بهره‌مندی از خدمات در کاهش شرایط جرم‌خیزی زمانی قابل بررسی است که در مناطقی که از خدمات عمومی محروم هستند شرایط اجتماعی با مناطق برخوردار، مقایسه شوند. شواهد مطالعاتی حاکی است که بسیاری از مناطق محروم، معمولاً در زمره مناطق بزهکاری در هر شهری محسوب می‌شوند.

مناطق حاشیه‌نشین و یا سکونتگاه‌های خودرو در هر شهری از محروم‌ترین مناطق از نظر بهره‌مندی از خدمات عمومی محسوب می‌شوند و لذا می‌توان مناطق مزبور را از حیث موضوع مطالعه به صورت ویژه مورد توجه قرار داد.

در چنین مناطقی به لحاظ از بین رفتن ارزش‌های انسانی، کجروی‌های اجتماعی سریعاً رشد می‌کند و اعمالی چون دزدی، اعتیاد، قاچاق، فحشا و نظایر آن گسترش بسیار می‌یابد (ستوده، ۱۳۷۵: ۷۷) بنابراین حاشیه‌نشینی با جرم رابطه مستقیمی و نزدیک دارند.

۲- الگوی کاربری زمین، کمیت و کیفیت فعالیت‌ها

هر فعالیت که توسط انسان صورت می‌گیرد، اساس متکی به زمین است. معماری و شهرسازی با فضاهایی سروکار دارند که انواع فعالیت‌ها در آن چارچوب‌ها اتفاق می‌افتد. شهر متمرکزترین نقاط استفاده از زمین توسط انسان‌هاست و کاربری زمین عبارتست از نحوه یا نوع استفاده از زمین به جهت نوع فعالیتی که در آن انجام می‌شود.

هرگونه الگوی کاربری زمین تأثیراتی بر شهر و در نتیجه فضاهای شهری دارد. منطقه‌بندی کاربری‌ها موجب الگوی پراکندگی فعالیت‌ها می‌شود و بعضاً برخی از بخش‌های شهری و به تبع آن برخی از فضاهای شهری به لحاظ ماهیت و نوع فعالیت غالب در آن بخش از شهر در برخی از ایام، به ویژه شب‌ها، تقریباً از جمعیت شهری خالی می‌شود. بحث دیگری که می‌توان مطرح نمود آن است که فضاهای شهری می‌بایست دارای تنوع کاربری‌های جاذب باشند و برخی از مکان‌های عمومی آن در شامگاهان و شبانگاهان نیز باز باشند. و از ایجاد محورهایی که به یک کاربری خاص و تنها در زمانی محدود فعالیت دارند (نظیر اداری) پرهیز نمود. زیرا پس از زمان کارکردشان به دلیل نبود تردد عابرین، فضا می‌تواند بستر ناامنی و جرم‌خیزی گردد. به رغم آنکه منطقه‌بندی کاربری‌های شهری از نظر شرایط بهداشتی و ایمنی، شرایط مطلوبی فراهم می‌کند ولی از نظر امنیت اجتماعی و استراتژی CPTED مورد نقد قرار می‌گیرد. بر این اساس یکی از مضرترین ایده‌های شهری نهضت مدرنیسم در شهرسازی ایده تقسیم شهر به بخش‌ها و کاربری‌های متفاوت بود. مدرنیست‌ها توصیه می‌کنند که مناطق مسکونی باید در میان پارک‌ها و فضاهای سبز قرار گرفته و از کاربری‌های دیگر به خصوص کاربری‌های مزاحم و ناسازگار صنعتی و تجاری به وسیله‌ی کمربندی جدا شود. و تنها تعداد خاصی از کاربری‌های غیرمسکونی مثل مدرسه، کودکانستان و مرکز محله مجاز هستند در مناطق مسکونی جای گیرند. مهم‌ترین و باارزش‌ترین کیفیت و خصوصیتی که شهرها قبل از تهاجم مدرنیست‌ها و تجددگرایی دارا بودند، همان تنوع بی‌حد آن‌ها بود. به این ترتیب که یک بلوک شهری حتی یک ساختمان واحد مجموعه‌ای از فعالیت‌های گوناگون نظیر واحدهای مسکونی، کارگاه، فروشگاه، مدرسه، اداره، مراکز مذهبی، تئاتر، رستوران و... را در خود جای می‌داد. امروز هم یک بلوک شهری مطلوب، انسانی و زنده جایی است که مخلوطی از فعالیت‌های متنوع در کنار یکدیگر محیطی سالم و فعال و کامل برای فعالیت‌های انسانی فراهم آورند. وحشت برانگیزتر از منطقه‌بندی تک‌عملکردی، الگوهای تک‌عملکردی است که در هر جا به کار گرفته شده، امنیت شهر را به طور کلی ویران و غیرقابل زندگی نموده است.

از این روست که جین جیکوبز عملاً علیه منطقه‌بندی موضع می‌گیرد. او معتقد است که این نوع توزیع فعالیت‌ها، نتایج فاجعه‌آمیز در شهرها به بار می‌آورد و اغلب مراکز شهری به‌گونه‌ای دهشتناک از نداشتن نوعی آمیختگی مناسب از عملکردهای اولیه در رنج می‌باشد و به خصوص از داشتن عملکردهای شبانه و عملکرد فرهنگی زنده (نه موزه‌ای) محروم می‌سازد (شوا، ۱۳۷۵: ۳۷۶)

نظریه‌ی استفاده چندمنظوره از فضاهای شهری فواید اجتماعی و اقتصادی بی‌شماری را در بردارد. فایده‌ی اجتماعی آن روابط اجتماعی سالم و متعادلی است که بین اقشار مختلف جامعه یعنی کارمندان ادارات، مغازه‌داران و ساکنان واحدهای مسکونی به وجود می‌آورد و برای عابرین پیاده در محیط‌های شهری بعد از ساعات اداری امنیت فراهم می‌کند.

امروزه دریافته‌ایم که ترکیب عملکردها و فعالیت‌ها برای رشد فرهنگی و ایجاد روابط متقابل بین آدمیان ضرورتی حیاتی دارد. از طرف دیگر استقرار کاربری‌های ناسازگار در مجاورت یکدیگر موجب اغتشاش فضایی و عملکردی و در نتیجه کاهش کیفیت محیط می‌شود و متعاقباً کاهش کیفیت محیط، بی‌سازمانی اجتماعی، رفتارهای آنومیک و جرم را تبیین می‌کند.



نتیجه گیری

احساس امنیت در فضای شهری یکی از مهم ترین شاخص های کیفیت فضا محسوب می شود و به رغم آن که مسئله امنیت در هر جامعه دارای ابعاد متنوع و متعدد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که در تامین این نیاز نباید از نقش و تاثیر عوامل محیطی غافل شد. در صورتی که قابلیت دست نامرئی برنامه ریزی و طراحی محیطی در پیش گیری و کنترل جرایم درک شود و در هنگام توزیع، تخصیص و ساماندهی فرم، فضا و فعالیت ها به عنوان یکی از اهداف مهم و عملیاتی لحاظ شود راهگشای بسیاری از مسائل فضای شهری خواهد بود. در جدول زیر به ارائه جمع بندی برخی از اصولی که می توان با آن ها امنیت را در فضاهای شهری ارتقاء بخشید پرداخته می شود.

راهکارهای مدیریتی و طراحی پیش گیری از جرم و آنومی در فضاهای شهری

اقدامات در سطح شهر	اقدامات در سطح محلات	اقدامات در فضاهای شهری
بکارگیری ابزارهای اجتماعی برای تشدید همبستگی مردم در سطح شهر و تقویت اشتراکات افراد در زمینه ی آداب و رسوم محلی	افزایش روابط اجتماعی بین همسایگان و تقویت حس همبستگی میان افراد و ساکنین محلات	افزایش قابلیت رویت پذیری بصری فضای شهری به گونه ای که ساکنین بتوانند اماکن عمومی را تحت نظر خود داشته باشند.
کنترل جمعیت و توزیع مناسب آن در سطح شهر	ایجاد فضاهای شهری و اجتماعی متعدد برای دورهم آبی و افزایش تعاملات ساکنین محلات نظیر: پارک های محلی، فضاهای تفریحی و بازی کودکان	در طراحی خیابان ها از ایجاد گوشه ها و کنج های تاریک که به دور از دید عابرین می باشد پرهیز نمود. هم چنین بناهایی که در مجاورت یک خیابان قرار دارند باید به سوی آن جهت گیری کنند.
کنترل اندازه ی شهر و جلوگیری از توسعه های گسسته و پراکنده	برقراری تناسب میان تراکم جمعیتی و محلات مسکونی (نه تراکم پایین و نه تراکم بالای جمعیتی تنها تراکم متوسط جمعیتی می تواند مناسب فضاهای امن باشد).	جلوگیری از ساخت و ساز بی قاعده
جلوگیری از ایجاد بافت های حاشیه ای در شهر و رساندن خدمات و امکانات عمومی (در صورت شکل گیری) برای ممانعت از اختلاف منطقه ای	ایجاد کاربری های متنوع و متجانس در محلات که بتواند در طول شبانه روز فعال باشند .	بهسازی و اصلاح پنجره ها و تابلوهای شکسته در فضا
ایجاد خوانایی در ساختار کلان و خرد شهر جهت شکل گیری تصویری روشن در ذهن هر شهروند و مسافر تازه وارد به شهر	از بین بردن مکان های آلوده (صوتی، دیداری، محیطی، رنگ و نوری) در محلات که باعث کاهش حضورپذیری افراد در آن ها می شود.	تقویت روشنایی فضاهای شهری که مردم را برای استفاده از مکان های عمومی در شب تشویق می کند و ممکن است مراقبت های غیررسمی را افزایش دهد.
جلوگیری از هرگونه منطقه بندی کاربری زمین در سطح شهر که موجب غیر فعال شدن فضا در برخی از اوقات شبانه روز می شود	تعریف مرزهای روشن بین فضاهای عمومی و خصوصی که مالکیت یک فضا را تعریف می کند و به وسیله آن بتوان سلسله مراتب فضایی را در محلات پشتیبانی کرد.	
افزایش سرانه ی کاربری های تفریحی ، ورزشی و گذران اوقات فراغت برای جوانان به نحو مطلوب و متناسب با شرایط	کنترل و محدودسازی نفوذپذیری به محلات شهری جهت شناسایی و نظارت بر افرادی که در محله تردد دارند.	
هرچه امکان دسترسی و جابجایی از طریق امکانات حمل و نقل عمومی تحت نظارت هم از نظر کیفیت و کمیت و هم از نظر تنوع و راحتی بیشتر باشد احساس امنیت بیشتری برای شهروندان در جابجایی از فضاهای سکونتی به فضاهای عمومی فراهم می شود.		
اختلاف سطح کیفیت سکونت در میان محلات مختلف ، دامنه ی تغییر کمتری داشته باشد		
میزان ارتکاب جرم توسط افراد اجاره نشین شهری بیشتر از مالکین واحدهای مسکونی است. می بایست سیاست ها و مالیات هایی بر تحرکات داخل شهری برقرار نمود.		
کاهش زمین های بایر ، متروک و یا ساختمان های مخروبه و نیز ساختمان های نیمه تمام و رها شده در بین ساختمان های مسکونی		



منابع:

- ۱- بی نا، طرح پیش گیری، تهران معاونت اجتماعی و ارشاد ناجا، اداره کل مطالعات طرح پیش گیری، ۱۳۸۰
- ۲- بحرینی، حسین، تحلیل فضای شهری، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵
- ۳- بهادری، منصور، روانشناسی کارکردی رنگ ها، تهران، نشریه مدرسه نو
- ۴- سگرانی طریقه، محمود، سیاست های شهری موثر در پیش گیری از جرم، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷
- ۵- شوای، فرانسوا، شهرسازی تخیلات و واقعیات، سید محسن حبیبی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵
- ۶- لینچ، کوین، سیمای شهر، منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲
- ۷- یار آحمدی، در آمدی بر انسان شناسی شهری، ۱۳۸۷
- ۸- جیکوبز، جین، مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶
- ۹- حشمتی، محمد، تاثیر طراحی شهری در پیشگیری و کاهش جرایم و ناهنجاری ها، مجله صفا، شماره ۴۱
- ۱۰- کلکوهن، طراحی عاری از جرم (ایجاد مناطق امن و پایدار)، مهرداد رایجیان اصلی، نشر میزان، ۱۳۸۷
- ۱۱- صالحی، اسماعیل، ویژگی های محیطی فضاهای شهری امن، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، ۱۳۸۷
- ۱۲- کلانتری، محسن، ۱۳۸۰، بررسی جغرافیای جرم و جنایت در مناطق شهر تهران، تهران: رساله دکتری، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران
- ۱۳- دهقان، فاطمه، تامین امنیت بافت های تاریخی و با ارزش، مجله آبادی ۶۷- بافت های فرسوده شهری

۱۴- Atlas, Randall (۱۹۹۴), <Environmental barriers to crime>, Atlas safety & security design.

۱۵- Newman, Oscar (۱۹۹۶), <Creating defensible space>, U, S Department of housing and urban Development

۱۶- Robinson, Matthew, ۱۹۹۶, <The Theoretical of CPTED ۲۰years of responses to C.ray Jeffry>, edited by: William Laufer and Freda Adler, Appalachian State University Department of political Science and Criminal Justice.

۱۷-Sumpf, Joseph – Michel Hugues ۱۹۷۳, <Dictionary de sociologies Larousse : Paris

۱۸- Trancik, Rager, ۱۹۸۶, <Finding Lost Space>, van Nostrand Reinhold Company, New York

۱۹- Ashton, John, ۱۹۸۸, <For Health Education> Organization Healthy Cities Project